



پاپا، اولین فیلم جنگ ۱۲ روزه

نخستین فیلم سینمایی بلند با موضوع جنگ ۱۲ روزه با عنوان «پاپا» به کارگردانی هادی محمدپور و تهیه‌کنندگی مهدی اکبری، مجوز ساخت گرفت و طبق اعلام عوامل، فیلمبرداری آن از نیمه شهریور آغاز خواهد شد. این فیلم براساس توضیحاتی که کارگردان آن به خبرگزاری ایرنا داد، با محوریت نقش پدافند هوایی ارتش، سپاه، و مشارکت مردمی در جریان تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به کشور ساخته می‌شود و قرار است تصویری واقع‌گرایانه و تأثیرگذار از اتحاد ملی و توان دفاعی کشور ارائه دهد. در کارنامه محمدپور ساخت فیلم «هادی پاور» دیده می‌شود که در چهل و یکمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمده بود. فیلم پاپا به گفته کارگردان آن قرار است روایت‌گر واقعیت‌های میدان نبرد و انتقال بی‌واسطه وی‌بی‌بی‌رایه آن به مخاطبان داخلی و بین‌المللی باشد. سازمان سینمایی کشور اعلام کرده که در رویدادهای مهم سینمایی امسال، ازجمله جشنواره فیلم فجر و جشنواره فیلم کودک بخش‌هایی ویژه را به ارائه و نمایش آثار مرتبط با جنگ دوازده روزه اختصاص خواهند داد.



توقیف وسایل علی احمدزاده

جعفر پناهی، کارگردان برنده جایزه نخل طلای کن در صفحه اینستاگرام خود خبر داده که گروهی مسلح به منزل علی احمدزاده، فیلمساز مستقل سینما هجوم برده و وسایل او را توقیف کرده‌اند. آن‌طور که پناهی گفته چهارم مرداد ماموران ناشناس به‌زور وارد منزل احمدزاده شده و دوربین‌ها، لپ‌تاپ، تابلوها و وسایل شخصی‌اش را ضبط کردند و در پایان از او خواستند به وزارت اطلاعات مراجعه کند. رسانه‌ها نوشته‌اند که این کارگردان در مازندران در حال ساخت فیلم جدید خود بوده که با یورش و ضرب‌وشتم و توقیف وسایل خود روبه‌رو شده است. احمدزاده سازنده فیلم‌های «مهمونی کامی»، «مادر قلب‌اتسی» و «پدیده» و «منطقه بحرانی» است که هیچ‌کدام مجوز اکران عمومی نگرفته‌اند یا بعد از نمایش توقیف شده‌اند. «منطقه بحرانی» آخرین فیلم او است که بدون مجوز ساخته شده و دو سال پیش جایزه یوزپلنگ طلایی را از جشنواره لوکارنو کسب کرد.



لوکاس موزه هنر روایی را افتتاح می‌کند

جرج لوکاس، کارگردان و خالق مجموعه جنگ ستارگان اعلام کرد موزه «هنر روایی» را سال آینده در لس‌آنجلس آمریکا افتتاح می‌کند. این موزه در زمینی ۱۱ هکتاری کنار ورزشگاه یادبود لس‌آنجلس و در نزدیکی چند موزه بزرگ و دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی ساخته‌شده و ملودی هابسون، همسر لوکاس نیز در اجرای پروژه مشارکت داشته است. این موزه ۳۳ گالری، دو سالن سینما، کتابخانه، فضاهای آموزشی و نمایشگاهی دارد و قرار است مجموعه‌ای غنی از آثار هنر روایی از سراسر تاریخ را در خود جای دهد. لوکاس هدف خود را حفظ میراث هنرهای مردمی، از جمله آثار مرتبط با جنگ ستارگان، هنر کمیک، نقاشی‌های کلاسیک و آثار هنرمندان سیاه‌پوست اعلام کرده است. او این موزه را «معبدی برای هنرهای روایی» توصیف کرده و به گفته او این موزه ادای احترامی است به هنرمندان نادیده گرفته‌شده که جایی برای نمایش روایت‌هایشان در جریان اصلی هنر نداشته‌اند اما تأثیری عمیق در مخاطبان می‌گذارند.

گفت‌وگوی تئاتر



گفت‌وگو با خسرو خورشیدی استاد پیشکسوت طراحی صحنه

که به تازگی نمایش «داستان باغ وحش» را به اجرا درآورده است

دوره درخشان تئاتر تا ۱۳۳۲ بود



سپیده شمس

روزنامه‌نگار حوزه تئاتر

خسرو خورشیدی، استاد تئاتر و طراح صحنه پیشکسوت تئاتر و سینماست. او فارغ‌التحصیل رشته طراحی و معماری صحنه از آکادمی هنرهای زیبا (رم)، همچنین رشته معماری، مرمت و بازسازی بناهای قدیمی از آکادمی شبانه سنت جاکا موسست. خورشیدی، سال‌ها دستیار طراحان صحنه بزرگی بوده و تجربه زیادی در طراحی صحنه دارد. او از سال ۱۳۴۸ به‌عنوان استاد طراحی صحنه وارد دانشکده هنرهای دراماتیک شد و در سال‌های حضورش در دانشگاه هنر، رشته طراحی صحنه را پایه گذاشت و دانشجویان بسیاری را پرورش داد. حالا در آستانه ۹۲ سالگی همچنان در تئاتر و هنرهای تجسمی کار می‌کند. این روزها «داستان باغ وحش» نوشته ادوارد آلبی، اجرایی با کارگردانی و طراحی صحنه او در تئاتر شهر بر صحنه است. این اجرا، با همت دو دانشجوی قدیمی‌اش که ۲۷ سال پیش این متن را با کارگردانی استادشان بر صحنه برده‌اند، دوباره اجرا می‌شود. به این بهانه با این استاد قدیمی طراحی صحنه و تئاتر، درباره این اجرا و از همه بیشتر درباره وضعیت طراحی صحنه در ایران گفت‌وگو کرده‌ایم:

درباره طراحی صحنه این اجرا، بیشتر بگویید.

طراحی صحنه این اجرا، اغلب از مواد بازیافتی ساخته‌شده که هم خیلی هزینه‌بر نباشد، هم به محیط‌زیست آسیبی نرساند و هم پیشنهادی باشد برای نسل نوپای تئاتر ما که سعی کنند برای طراحی صحنه تئاتر از مواد بازیافتی بیشتر استفاده کند. فقط برای برگ‌هایی که برای درخت از کاغذهای خاصی طراحی شده، مبلغی هزینه کردیم که امیدوارم بعد از پایان نمایش، این برگ‌ها هم دور ریخته نشود، شاید برای اجرای دیگری که در طراحی صحنه، درختی دارند، به‌کار بیاید. در کشورهای دیگر اغلب انباری برای تئاتر دارند که دکورهای تئاتر آنجا جمع می‌شود و هر طراح صحنه‌ای که می‌خواهد دکوری بسازد، اول به این انبار سری می‌زند تا مواد و مصالح مورد نیازش را از آنجا جمع کند و برای طراحی جدیدش استفاده کند.

از اجرایی که این روزها در تئاتر شهر دارید، راضی هستید؟

من از اجرای پچمه‌ها خیلی راضی‌ام و به‌نظرم بازی‌هایشان فوق‌العاده بود. آنها در حد بازیگرهای درجه یک دنیا بر صحنه حاضر شدند به‌خصوص مسعود سخایی که بازیگر حرفه‌ای است و سال‌ها کار کرده و عاشق بازیگری است. حتی مسعود میر حسینی هم با اینکه مدت‌ها از تئاتر دور بوده، بازی درخشانی از خودش نشان داد.

این دو بازیگر در بعضی شب‌ها که تماشاگران تئاتر هم کم بودند، اجرای خوبی بر صحنه بردند. تئاتر در فصل تابستان در اغلب کشورها تعطیل است؛ مگر در آمفی‌تئاترهای معروفی مثل آتن و ایتالیا یا در سالن اپرای ولفتراپ آمریکا که در فضای آزاد اجرا می‌شود. حتی تئاتر آکادمیک زنده‌یاد عبدالحسین نوشین هم فصل تئاتر را با آغاز تئاترها شروع می‌کرد؛ یعنی از اول مهر تا آخر اردیبهشت‌ماه.

مسئله دیگری که در سالن‌های تئاتر شهر همیشه هست اینکه معمولاً دو سانس اجرا در هر سالتی وجود دارد که این محدودیت‌هایی برای اجرای گروه ایجاد می‌کنند؛ نه‌تنها برای طراحی صحنه که برای طراحی نور و نورپردازی صحنه هم. در تئاتر شهر فقط سالن اصلی است که یک وقاری دارد و تا حدی حرفه‌ای است، بقیه سالن‌ها به‌خصوص سالن‌های جدیدتر، انگار در هر گوشه‌ای از این سازه، سوراخی کنده شده و سالتی ساخته شده که خیلی طراحی ندارند و امکانات‌شان برای یک صحنه تئاتر کافی نیست. مثلاً اتاق‌های گرم که بسیار کوچک است و برای کارهای حرفه‌ای تئاتر چندان کاربردی نیست. از آن طرف ما چندین سالن تئاتر در لاله‌زار داریم که در سکوت، بی‌استفاده و روبه‌پرانی‌رها شده مثل تئاتر مرحوم صادق پور، تئاتر باربد، تئاتر تهران و تئاتر فرهنگ سابق که مرحوم عبدالحسین نوشین آن را برپا کرد. واقعاً چرا بعضی اجراها را به این سالن‌ها نمی‌برند که این مجموعه پاک و تمیز تئاتر شهر را اسواخ‌سوراخ نکنند.

این تئاتر باربد و تئاتر تهران که اشاره کردید، البته چیز زیادی ازشان باقی نمانده است.

منظورم این است که به این سالن‌ها برسند و بازسازی و مرمت کنند؛ نه اینکه همین‌طور رها کنند که تبدیل به انبار شود. تئاتر تهران هنوز سر جایش است و تئاتر فرهنگ هم، الان نمی‌دانم اسم جدیدی دارد

یانه، اما این تئاتر در سال ۱۳۲۳ شمسی توسط زنده‌یاد عبدالحسین نوشین پا گرفت و با اجرایی از بن جاسون، نمایشنامه‌نویس مطرح انگلیسی، افتتاح شد.

درباره کارهای عبدالحسین نوشین و سال‌های دور در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ تئاتر ایران گفتید. آن‌زمان وضعیت طراحی صحنه‌های تئاتر به‌چه‌صورت بود؟

آن‌زمان در تئاتر نوشین، ولی‌الله خاکدان و ناپلئون سوری، طراحان صحنه بودند که یکی تحصیل‌کرده مسکو بود و دیگری تحصیلاتش را در باکو گذرانده بود. من البته آن‌زمان وارد تئاتر نشده بودم و فقط تئاترها را می‌دیدم. اما اگر از من بپرسند دوره درخشان تئاتر ایران کی بود؟ می‌گویم تا سال ۱۳۳۲ و از این سال به‌بعد خراب شد. پیش از انقلاب هم بسیاری کوشش کردند که تئاتر بنیادی بگیرد و حرفه‌ای‌تر شود اما از آنجا که تداوم نداشت، خیلی شکل نگرفت. اگر آن کوشش‌ها و پیگیری‌های اهالی تئاتر تداوم داشت، وضعیت تئاتر ما امروز خیلی بهتر بود. امیدوارم با قدم‌های خوبی که الان برداشته می‌شود، تئاتر ما انسجام پیدا کند.

از چه سالی کار طراحی صحنه را در ایران آغاز کردید؟

من بعد از تحصیل در ایتالیا، از سال ۴۸ تدریس درس طراحی صحنه را در دانشگاه آغاز کردم و برای اولین‌بار در سال ۵۱ نمایشنامه‌ای از فردریک دورنمات را با زنده‌یاد حمید سمندریان روی صحنه بردیم؛ «ملاقات بانوی سالخورده» که من طراح صحنه‌اش بودم. ولی شانسش که داشتم این بود که من بعد از پایان تحصیلات، زیرنظر ورزیده‌ترین کارگردانان آن‌زمان در ایتالیا مثل فرانکو فیلی و لوکینو ویسکونتی کار کردم. آن سال‌ها مردم خیلی بیشتر به هم احترام می‌گذاشتند؛ وقتی دستیار اول زفی‌ری به او گفت که خورشیدی، از ایران آمده، خیلی زود دوستی بین‌مان برقرار شد و من با آنها مشغول به کار شدم. آن سال‌ها دهه ۶۰ میلادی بود.

طراح صحنه، چقدر باید دیدتجسمی داشته باشد و چقدر باید متن نمایشنامه را بشناسد؟

طراح صحنه درواقع یک کارگردان متن است یعنی مجسم‌کننده آنچه در متن به‌عنوان فضاسازی بیان می‌شود. اوست که فضا را کارگردانی می‌کند و آن را به کارگردان می‌دهد؛ در نتیجه کار طراح صحنه و کارگردان باهم تلفیق می‌شود و فضای مناسبی را برای تئاتر بر صحنه رقم می‌زند.

طراح صحنه آخرین کسی است که روی صحنه می‌آید و با ابداع فضای تئاتر درواقع بازیگر نهایی صحنه تئاتر است به چه معنا؟ به‌عنوان مثال من یکی از نمایشنامه‌هایی که در ایران کار کردم «دژ هوش‌ربا» بود که به‌نظرم صحنه‌پردازی زیبایی داشت اما چگونه خلق شد؟ در نمایشنامه نوشته شده بود که فرزندان پادشاه به امر او با شتر به سرزمین‌های دور دست می‌فقتند که دژ هوش‌ربا در آن سرزمین‌ها بود. تجسم آوردن این فضا روی صحنه خالی از اشکال نبود پس من طراحی‌ای برای صحنه کردم که بتواند به نمایشنامه قوت بیشتری بدهد یک کشتی بادبانی درست کردم که در دریا دچار موج می‌شد و به این سفر ادامه می‌داد.

یا در نمایشنامه «نیمه‌شب است دیگر دکتر شوایتزر» که داستان شوایتزر، پزشک و رهبر ارکستری بود که برای کمک به آفریقا رفته بود و برای طراحی صحنه آن، یک پرده نایلونی طراحی کردم که تمام مدت از آن باران می‌چکید تا بتوانم فضای آفریقا را خلق کنم که به‌نظر خودم یکی از بهترین طراحی‌هایم بود.

یک طراح صحنه حتی اگر خودش کارگردان نباشد، صحنه تئاتر را به‌شکلی کارگردانی می‌کند. طراح هر چیزی را که در متن نمایشنامه به آن اشاره‌ای شده، برای فضا ساختن و رسیدن به معناهای پنهان نمایشنامه، عینی می‌کند. به‌همین خاطر طراح صحنه، باید درام را خوب بشناسد. در سینما هم همین‌طور است، به‌طور مثال فیلم درخشان فلینی، «هشت‌نیم» که فلینی درباره‌اش گفته که درست است که توضیحات صحنه را تا حدی نویسنده فیلمنامه نوشته بود و